**کمال پرستی یا واقع بینی**

**حمزاوی، عبدالحسین**

من نیز مانند جناب آقای سعیدی سیرجانی دربارهء اظهار مرحوم سید حسن تقی‏زاده‏ راجع به قرارداد سال 1932 نفت که«اگر قصوری یا اشتباهی در این کار بوده تقصیر آلت‏ فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرده نتوانست برگردد»همواره در شگفتی بوده‏ام و با آشنائی به سعهءصدر و عزت‏نفس آنمرحوم در حیرت بوده‏ام چگونه باین‏ عذر غیرموجه متوسل شده است.شاید توجیه آن باشد که حتی مردان بزرگ،باقتضای‏ طبع آدمی،زیر فشار لحظات زودگذر،دچار نکشت فکری می‏شوند،اما بر لب مرداب‏ نباید دربا را از یاد برد:

در چمنم هر ورقی دفتر حال دگر است‏ حیف باشد که زکار همه غافل باشیم

و حق نیست ژرفای اندیشه،آزادمنشی،میهن پرستی و عظمت اخلاقی سید حسن‏ تقی‏زاده ناچیز شمرده شود.

این نکته که اگر بهانهء عدم مسئولیت پذیرفته شود همه مسئولیت‏ها لوث می‏شود و شیرازه هر نظامی،از جمله مملکتداری،از هم می‏پاشد نکته‏ایست اساسی و قویم.

کمال جویان در عدم صلاحیت تمدید قرارداد مورد بحث تردید بدل راه نمی‏دهند، اما واقع بینان اوضاع و کیفیات سیاسی روز را در نظر می‏آورند و در این نکته که در آن‏ شرائط زمامدار وقت چه می‏توانست کرد تأمل می‏کنند.اگرهای تاریخ بی‏شمار است و بحث پیرامون اماها و اگرها فراوان.باشد که موضوع انعقاد قرارداد 1932 نفت،مانند بسیاری مسائل حساس تاریخ ایران،در آینده بیشتر مورد توجه و مداقه صاحبنظران و پژوهندگان بشود و به سرچشمه‏های موضوعها باز نگرند و ب فرصت و فصحت و عمق به‏ معانی دقیق و نکته‏های باریک برسند و محقق سازند که آیا انعقاد قرارداد نفت واقعا از لحاظ تحمل شر قلیل برای دفع شر عظیم صورت گرفته است یا نه؟

دل من اگر که بشکست فدای چشم مستت‏ سر خم می سلامت شکند اگر سبوئی

در این سخن حقیقت بزرگی نهفته است،قابل تأمل و تعمق.

از آنجا که تجربیات و مطالعات و سیر مدرکات پنجاه ساله‏ام اقتضا دارد بگذارید به‏ کشف و شهودم و آنچه که سالیان متمادی در زمینه شخصیتهای این صحنه از نزدیک دیده‏ام‏ مختصر اشارتی کنم.

1-از در گذشتگان،قدر متیقن،سردار نامی ایران،رضا شاه پهلوی از پادشاهان‏ بزرگ تاریخ 2500 سال ایران شمرده می‏شود و این معنی بر دیده مردان صاحبنظر و صاحب‏ بصیرتی که روح بلند و ارادهء آهنین آن سردار بزرگ را دریافته‏اند نقش است.

رضا شاه مرد اندیشه و کردار بود و گریزان از خودنمائی.گفتارش با خویشتن‏ داری و فروتنی توأم بود و هر آنچه می‏اندیشید و می‏گفت می‏شد.گفته او کوتاه و پر معنا بود.اراده و روشنی تصمیم و عزم راسخ از سخنانش تراوش می‏کرد.

رضا شاه با توان و مایه لا یزال دریافته بود که چه می‏خواهد و می‏دانست چه باید کرد. ایمان و اعتقاد چشمهء جوشنده جان او بود و روح و دل ملت ایران را پشتوانه کامیابی خود می‏دید.معظم له،با نگاهی کاونده و نافذ،مردم را خوب می‏شناخت و در تشخیص و درک‏ افکار درونی آنها نبوغ بی‏نظیر دشات.او راز و رمز احیای این جهان نهفته را در آئینه‏ معنی می‏دید.بالاتر از همه احساسی بارور و پی‏گیر از همبستگی ملی در دل مردم نشاند و یک‏پارچگی میان مردم باز آورد.انضباط،اراده،اعتمادبنفس،ایمان،دل‏آگاهی،مدیریت‏ و کارسازی در او سرشته بود.

2-تاریخ معاصر ایران از موهبت وجود شخصیت‏های ممتاز و سیاستمداران والا بی‏بهره نبوده است.سه نفر از ممتازترین چهره‏های معاصر را که مستقیم با طرز تفکر و پندارشان آشنائی داشته‏ام نام می‏برم:ذکاء الملک فروغی،سید حسن تقی‏زاده و حسین علاء. این سه تن،بی‏تردید،به معیار و موازین عالی فکر و اندیشه و اخلاق از مردان نیک و اعاظم سیاستمداران و رجال میهن‏پرست و با جوهر محسوب می‏شوند که اصول و معتقدات‏ و خدمات پر ارج‏شان به ایران شایسته همه گونه احترام و اعتبار و سزاوار عمیق‏ترین سپاس‏ و حقشناسی است.

فروغی و تقی‏زاده و علاء پویندگان صادق راه حقیقت،عاری از کهنه‏پرستی و جمود فکری و خودپرستی و خودنمائی دل‏آگاه و سد باب مفسده،برنا و هوشمند و ایران‏دوست‏ بودند و آزاداندیشی و روحی بلند از خود میراثی گرانقدر باقی گذرادند.

من شخصا با سید حسن تقی‏زاده و حسین علاء سالیان دراز افتخار همکاری سیاسی و دوستی داشتم و والا فکر یو عظمت اندیشه و حقیقت‏شان مرا مفتون و مسحور کرد.امیدوارم‏ خاطرات این ایام همکاری که به صفحاتی از تاریخ سیاسی ایران روشنائی می‏افکند روزی‏ نوشته آید.

عدل

ترا ایزد از بهر عدل آفرید ستم ناید از شاه عادل پدید ستمکار گانرا مکن یاوری‏ که پرسند روزیت از ین داوری‏ نکو رای چون رای را بد کند خرابی درآبادی خود کند هر آنچ او بگردد ز تدبیر کار بگردد بر او گردش روزگار